

## سرمقاله

بقیه از صفحه ۲

رسیده است که به دشواری می توان آنها را دور زد، نادیده گرفت و یا - از همه ناکارتر - با مضامین جعلی و دستپخت خانگی، جایگزین نمود.

نخست، رژیم جمهوری اسلامی اصلاح ناپذیر است. فشردگی بیشتر ساختار قدرت به سود استبداد مذهبی لگام گسیخته تر، پس از سپری شدن ۸ سال از "پروژه اصلاحات"، به روشنی گنجایش ساختاری - حقوقی و ایدئولوژیک "نظام" در برابر تحولات را نشان می دهد. سپس، نمایشهای برگزار شده مَلاها تحت عنوان انتخابات، یکسره و بدون استثنا بی اعتبار هستند. بدون آزادی رقابت، بیان، مطبوعات و احزاب، بدون برجیده شدن موانع سیاسی، امنیتی، نظامی و شبه نظامی و بدون نظارت موثر مردمی و بین المللی، اصولاً سخنی از اعمال اراده مستقیم شهروندان نمی تواند در میان باشد. کشمکش که بر سر نتیجه انتخابات اخیر بین باندهای حکومتی به راه افتاد، بیانگر این واقعیت است که چگونه در سایه فقدان کلیه پیش شرطهای لازم، انتخابات به صحنه ی یک تازی و تاخت و تاز قدرتمداران برای تحمیل اراده ی خود بدل می شود.

انتخابات و دیگر ساز و کارهای شبه دموکراتیک به هیچ دگرگونی لمس پذیری در جمهوری اسلامی راه نمی برد. از این رو، سیاست تحریم سیرکهای نمایشی رژیم و برانگیختن و سازمان دادن مردم علیه آن، تنها رویکردی است که امکان تغییر مناسبات استبدادی را در بطن خود می پروراند. هدف جملگی بازیگران، سیاهی لشگرها و مبلغان مشارکت در این خیمه شب بازیها، استمرار استبداد مذهبی حاکم و جلوگیری از تشکیل صف بندی مستقل مردم برای اعمال اراده شان می باشد.

انتخابات اخیر، یکبار بیشتر مرزهای فاصله میان مدافعان و پشتیبانان نظم پامال کُننده حقوق مردم و کوشندگان بازگرداندن این حقوق به صاحبانشان را ترسیم کرد. چگونگی رویکرد به نمایش مزبور، نتایج و پیامدهای آن، پیکان راهنمایی است که همکاری و اتحاد عملهای آتی را شکل خواهد داد.

نمایش شبه هالیوودی  
انتخابات ملاها

لیلا جدیدی

هجوم مردم به نقاط تفریحی خارج شهر، هنگامی که نمایش شبه هالیوودی انتخابات ملاها در جریان بود، لیستی که انستیتو فیلم آمریکا چند روز پیش از صد جمله قصار گفته شده در فیلمهای مشهور هالیوود منتشر کرده را به یاد می آورد. در راس این لیست، گفته ای است از فیلم معروف "برباد رفته" بدین مضمون: "صادقانه بگویم قربان، پیشیزی هم برابرم نمی آرد." تا آنجا که به مردم ربط پیدا می کند، واکنش آنها در برابر نمایش هالیوودی حکومت بر باد رفته ولایت فقیه، چیزی جز مصداق همین جمله معروف نبود.

حکومتها اما بی توجه به این امر، در بازی بین خود دایم دم از تخلف در انتخابات زدند و دوسر طناب پوسیده انتخابات ریاست جمهوری را به طرفین کشیده و این نمایش را به یک کمدی اسفبار تبدیل کردند.

هیات رسیدگی به تخلفات از جانب خاتمی اعلام کرد که ۲۶ نفر را در ارتباط با ۱۰۴ پرونده تخلف بازداشت کرده است اما نامی از "عناصر نظامی" معروف که در آن دست داشتند نبرد. سپس، یونسی در همین رابطه گفت، اگر محلی را که این افراد دستگیر شدند فاش کند، "ماجرای رنگ و بو دیگری پیدا می کند." از سوی دیگر، میر تاج الدینی، عضو شورای مرکزی فراکسیون اکثریت مجلس ارتجاع از "برنامه ریزهای مشترک عوامل اجرایی انتخابات" با یکی از نامزدها یاد کرد. حداد عادل برای جلوگیری از تخلفات دست به عیای خاتمی شد. ستاد انتخابات وزارت کشور از قوه قضاییه خواست، عناصر مسلح و سپاه پاسداران را از حوزه ها دور کند. شورای نگهبان حضور نظامیان را تایید کرد. "آقازاده" خامنه ای هم در در اجرای آن از هیچ کاری فرو نگذاشت.

همه اینها به اضافه تغییر مکان شعب رای گیری به مکانهای پرت و حاشیه ای، خرید و فروش رای، صدور شناسنامه المثنی و ده ها دوز و کلک دیگر، در حقیقت افشا و مچ گیری از یکدیگر بر سر یک کاسه شکسته بود. دعوا سر این است که چه کسی تکه های بیشتری می تواند جمع کند تا با لبه تیز آن بر سر دیگری بکوبد. کار به اصطلاح "اصلاح طلبان" و عده ای دیگر از مقاطعه کاران هم به همین خاطر به حمایت از رفسنجانی کشید که خرده تکه برایش جمع کنند تا شاید مورد لطف او قرار گیرند.

تعداد رای هر چه که باشد، برای برای به دست آوردن آمار میلیونی ضرب در هر رقمی هم که شود، باید باز به لحاظ نسبی نزدیک به هم می شد تا جای شاخ و شانه کشیدن برای یکدیگر محفوظ بماند. ۴ تیر

## نُف سربالا

جعفر پویه

وقوع یک سری انفجار زنجیره ای در مرکز شهر لندن بار دیگر اروپا را با موجی از وحشت روبرو کرد. این در حالی است که هر کس با ظن و گمان خود حدسهایی می زند و انگشت اتهام را به طرفی نشانه می رود. بیش از هر گروهی تندروهای اسلامی مورد اتهام هستند و القانده ترجیع بند همه تحلیلها و نظریات ارابه شده است. اما هیچ تحلیل گری حاضر به اشاره ای به پیشینه این اعمال در اروپا نیست و با یک سو نگری، آدرسهای همه به یک جا ختم می شود.

چند سال قبل، هنگامیکه تروریستهای صادراتی رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از امکانات دیپلماتیک و دولتی در اروپا به شکار فعالان سیاسی می پرداختند، زمینه برخورد های امروزی را می چیدند. چشم پوشی از اعمال ضد انسانی تروریستهای ولایت فقیه و اجازه فرار به آنان، زمینه را برای اعمال امروزی جوخه های مرگ آماده کرد. نمی توان بحث ترور افراد بی گناه را به میان کشید و به تاریخچه آن اشاره نکرد، نمی توان شاهد انفجارهای پی در پی در مترو و اتوبوس بود و نگفت که مشابه این اعمال توسط بالاترین مقامات رژیم حاکم بر ایران رهبری نشده است. سالهاست که

اپوزیسیون ایرانی در فریادهایی که به گوش کسی فرو نرفت، هشدار داد که ادامه این وضع می تواند دامان خود حامیان مستقیم و غیر مستقیم آنها را بگیرد. اجازه فرار به تروریستی که اقدام به قتل یکی از افراد اپوزیسیون کرده است و معاوضه یکی دیگر از اینها، منجر به مشروعیت بخشیدن به اعمالی شد که امروز دامان مردم بیگناه را در اروپا گرفته است. همان کسانی که می توانند در یک مکان مذهبی بمب گذاری کرده و شهروندان خود را به قتل برسانند تا برای قتل عام مخالفین سیاسی خود توجیه بتراشند، هیچ هراسی از قتل صدها نفر از شهروندان دیگر کشورها ندارند. هر چند اکنون نمی توان به درستی گفت که چه گروه و دسته ای پشت این انفجارهاست؛ اما هنگامیکه سازمانهای امنیتی برای پیشبرد مقاصد سیاسی کشور خود اقدام به سازماندهی گروه های تروریست مذهبی می کردند، باید می دانستند که این تیغ دولبه، روزگاری رویکردی دگر گونه خواهد داشت. حال دیگر قتل مردم بیگناه دست آویزی شده

بقیه در صفحه ۱۵